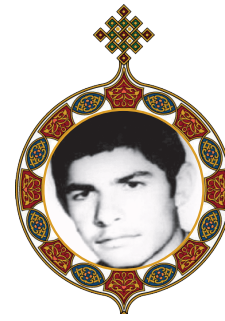


شهادت امدادگر

دلایر مردی از خطه

شیران مانه و سملقان



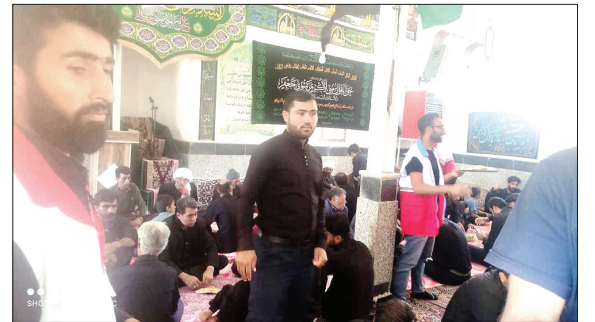
شهید یوسفعلی کاملی بیستم تیر ماه سال ۱۳۴۸ در روستای قره مصلی از توابع شهرستان مانه و سملقان دیده به جهان گشود. پدرش براتعلی خوار بار فروش بود و مادرش بنفشه نام داشت. پسری آرام بود که روی حرف پدر و مادر حرف نمی زد. ابتدایی را در روستا خواند و راهنمایی را در مدرسه

جلال آل احمد در آشنخانه، آن موقع برادر بزرگتر یوسفعلی در صحرا دام نگه می داشت و یوسفعلی خبر برادرش را می گرفت تا اگر چیزی لازم داشت برایش فراهم کند. اول انقلاب بود و یوسفعلی هم همراه دوستانش عضو نیروهای انقلابی بود. این شهید عزیز رابطه تنگاتنگی با دوستانش داشت و آنها را مانند برادر خود دوست داشت. سال ۶۰ که اوایل جنگ تحمیلی بود، یوسفعلی دانش آموز سال چهارم متوسطه در رشته اقتصاد از پدر و مادر خواست تا اجازه دهند که او به جبهه برود، ولی پدر به شدت با خواسته یوسفعلی مخالفت کرد و گفت: «آنجا دشمن هست و خطرناک است»، ولی یوسفعلی هم در جواب به پدرش گفت: «نه چه خطری؟ وقتی امام خمینی دستور داده اند ما هم باید گوش به فرمان او باشیم.» او چند روزی اصرار کرد تا رضایت والدینش را گرفت. سه مرتبه به جبهه اعزام شد و در مجموع مدت ۹ ماه جنگید. اولین بار در ۱۸ سالگی به جبهه اعزام شد. عکس العمل یوسف نسبت به رفتار غیر منطقی و خلاف افراد و عقاید انحرافی یا مخالفان به گونه ای بود که سعی می کرد آنها را راهنمایی کند. یوسفعلی به عنوان بسیجی در جبهه حضور یافت و در نهایت بیست و سوم فروردین ۱۳۶۲ در شرفانی توسط نیروهای عراقی بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید. مزار او در زادگاهش قرار دارد.

خانه هلال

اقدامات خانه هلال روستای درخت توت

خانه هلال روستای درخت توت در استان خراسان جنوبی، شهرستان سربیشه، در سال ۱۳۹۸ تاسیس شد. مهدی ریحانی نیا، مسئول خانه هلال خلاصه ای از اقدامات انجام شده در این خانه را روایت کرد و گفت: «زمان کرونا طرح حاج قاسم سلیمانی و مراسم های دهه اول محرم را در فضای باز و جلوی مزار شهدای روستا برگزار کردیم. روشنایی مکتب و فضای سازی و توزیع ماسک و یک بهداشتی نیز داشتیم. همچنین توزیع بسته غذایی، غبارروبی مزار شهدای روستا، برگزاری یادواره شهدای روستا و کمک برنج برای طبخ شام از دیگر اقدامات این خانه هلال به شمار می رود. به ۲۱ نفر از بچه هایی که سرود سلام فرمانده را در برنامه خواندند جایزه دادیم. در فصل زمستان، برف ریزی منازل مسکونی افراد پیر را اجرا کردیم. از طرف خانه هلال در برنامه هایی مثل شهادت حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) غذا طبخ و توزیع می کردیم. توزیع لوازم التحریر مدرسه شهید نخعی درخت توت نیز از دیگر اقدامات این خانه هلال به شمار می رود. همچنین از مسئولان تقاضای داریم برای تجهیز خانه هلال روستای مرزی و محروم و شهید پرور و عالم پرور درخت توت ما را از مساعدت و همکاری خود دریغ نفرمایند.»



اخبار روز

کرمان میزبان منطقه ای دوره تخصصی آنست و نجات باطناب

مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان کرمان از میزبانی منطقه ای دوره تخصصی پایه آموزش و نگهداری سگ های تجسس و دوره پیشرفته نجات باطناب با حضور بیش از ۶۰ نجاتگر و امدادگر خبر داد. رضا فلاح، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان کرمان، گفت: «همزمان با گرامی داشت ایام الله دهه مبارک فجر ۲ دوره منطقه ای تخصصی پایه آموزش و نگهداری سگ های تجسس و دوره پیشرفته نجات باطناب با حضور بیش از ۶۰ نجاتگر و امدادگر به میزبانی استان کرمان در حال برگزاری است.» وی با اشاره به حضور ۳۶ نفر در دوره تخصصی پایه آموزش و نگهداری سگ های تجسس، افزود: «فرهنگیان در این دوره با سرفصل هایی از قبیل آموزش و کار با سگ، دستگاه های الکترونیک تجسس، کار با تجهیزات تخصصی آموزش سگ های تجسس، سیستم های زنده یاب و تغذیه سگ های تجسس آشنا خواهند شد.»

افتتاح پایگاه جاده ای امداد و نجات در شهرستان لنده

مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان کهگیلویه و بویراحمد از افتتاح پایگاه جاده ای امداد و نجات و مرکز کنترل هماهنگی و عملیات هلال احمر لنده خبر داد. کاظم فلاحی دوست، مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان کهگیلویه و بویراحمد گفت: «این پایگاه با حضور استاندار کهگیلویه و بویراحمد، نماینده کهگیلویه در مجلس، معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری، مدیرعامل جمعیت هلال احمر مدیران استانی و شهرستانی، پایگاه امداد و نجات جاده ای و مرکز کنترل هماهنگی و عملیات شهرستان لنده با اعتباری بالغ بر ۲۱ میلیارد و پانصد میلیون تومان به بهره برداری رسید. این پایگاه که در یکی از نقاط حادثه خیز منطقه مستقر شده است، می تواند تأثیر بسزایی در کاهش تلفات جاده ای و افزایش سرعت امداد رسانی داشته باشد.» استاندار کهگیلویه و بویراحمد گفت: «راه اندازی پایگاه هلال احمر بخشی از خدماتی است که نظام به مناسبت دهه فجر به مردم شهرستان لنده ارائه کرده است.»



مسئول پایگاه «پای دنا» در گفت و گو با «شهرود» از ماموریت های سنگین در دل کوه های یخ زده می گوید

نجات ۱۲ آفرودسوار در شب برفی

آفرودسوار بدون نظر گرفتن خطرات

این اتفاق یکشنبه شب گذشته، ۱۴ بهمن ماه، رخ داد. وقتی حوالی ساعت ۲۱، ۱۲ آفرودسوار در کولاک و یخبندان، در ارتفاعات ۳۳۰۰ متری گردنه بیژن شهرستان سمیرم، گرفتار شدند. این موضوع بلافاصله به EOC اعلام شد. پس از دریافت گزارش، ۳ تیم امدادی، شامل ۱۲ امدادگر، به همراه خودروی نجات و آمبولانس، به محل حادثه اعزام شدند. طبق گزارش به دست آمده، ۱۲ آفرودسوار از شهر سی سخت در استان کهگیلویه و بویراحمد به سمت گردنه بیژن حرکت کردند و گردنه بیژن را به سمت پایین پیمودند که با کولاک و یخبندان روبه رو شدند. این افراد در تماس با هلال احمر دنا خواستار کمک شدند. محسن مومنی، مدیرعامل جمعیت هلال احمر استان اصفهان، درباره این حادثه می گوید: «راه دسترسی به گردنه بیژن در چند ماه اخیر توسط راهداری شهرستان دنا مسدود شده است؛ ولی این ۱۲ آفرودسوار بدون توجه خطرات موجود اقدام به حرکت در این مسیر کردند و گرفتار کولاک و یخبندان شدند. با وجود کولاک و یخبندان و مسیر صعب العبور، امدادگران ساعت ۱۲ شب، خود را به محل حادثه رساندند و اقدام به آزادسازی افراد گرفتار کردند. پس از انتقال این افراد به منطقه امن، عملیات در ساعت ۴ صبح روز دوشنبه ۱۵ بهمن ماه پایان یافت.»

پیاده روی در کولاک

سید صادق موسوی، مسئول پایگاه کوهستانی «پای دنا» است. پایگاهی که اعضایش، تاکنون ماموریت های سخت این چنینی را با موفقیت به پایان رسانده و روزهای زیادی را در میان کوهستان سرد، به یاری مردم گرفتار شتافتند. او در گفت و گو

با خبرنگار «شهرود» آن شب سرد را روایت می کند: «ساعت هشت و بیست دقیقه شب بود که با ما تماس گرفتند و اعلام کردند که گروهی آفرودسوار، در ارتفاعات، گیر افتاده اند و درخواست کمک دارند. بلافاصله هماهنگی های لازم انجام شد و ۱۵ نفر از پایگاه دور هم جمع شدیم و با خودرو به سمت محل حرکت کردیم. تا جاییکه مسیر ماشین رو بود، با خودرو رفتیم. ولی از یک مسیری به بعد، برف زیادی بود و مجبور شدیم که با پای پیاده حرکت کنیم. جاده کوهستانی و مسیر بسیار سخت و صعب العبور بود. مادر آن کولاک شبانه، به سمت بالایی رفتیم. چند ساعت پیاده روی کردیم تا به آنها رسیدیم. همه آفرودسوارها در سرما مانده بودند و خودرویشان، در کولاک گیر کرده بود. آنها از طرف سی سخت آمده بودند و تا یک جایی مسیر برایشان باز بود. اما به خاطر برف زیاد، آنجا گیر کرده بودند. دو خودروی پاترول و دو خودروی توپوتا داشتند. ما بلافاصله عملیات را شروع کردیم و برف را از جاده کنار زدیم. تا یک مسیری هم خودروها را، بوکسل کردیم. از یک مسافتی به بعد، دوباره گیر افتادیم.

حتی از شهرداری می آمدند. به آنها گفتیم خودروهائیان را اینجا بگذارید تا فردا صبح آنها را خارج کنیم، ولی قبول نکردند. برای همین به همراه خودشان دوباره با بیل برف ها را کنار زدیم و خودروها را آزاد کردیم. تقریباً ساعت ۴ صبح بود که این عملیات تمام شد.»

ماموریت سخت در گردنه برفی

سید صادق موسوی، در ادامه صحبت هایش از ماموریت ها و عملیات های سخت این پایگاه می گوید و ادامه می دهد: «پایگاه ما کوهستانی است. این پایگاه از سال ۹۱ راه اندازی شده است. ما در ارتفاعات دنا ماموریت های زیادی را انجام دادیم. از گمشدن کوهنورد در یخچال ها گرفته تا امداد رسانی در حادثه سقوط هواپیما؛ یاد ما است که در یک شب برفی، خانمی به قله ای در ارتفاع چهار هزار و ۴۲۰ متر رفته و دچار شکستگی پا شده بود. همان شبانه راه افتادیم و پیاده رفتیم. صبح بود که به آنجا رسیدیم. تمام شب را در میان کولاک و به صورت سربالایی پیاده رفتیم و چندین ساعت کوهنوردی

کردیم تا به آن خانم آسیب دیده رسیدیم. آنجا امداد رسانی را شروع کردیم و بعد از هماهنگی با بالگرد او را به پایین رساندیم. در کل ماموریت در کوهستان شرایط سختی دارد. ما در این پایگاه به صورت شیفت های ۴۸ ساعته ماموریت می دهیم. این تنها پایگاه در کشور است که ۱۲ نیروی آن درجه ایثار دارند. شغل اصلی بیشتر داوطلبان این پایگاه کشاورزی است. ولی به صورت داوطلب می آیند تا کمک کنند. در حوادث جاده کوهستان و در کل هر کمکی که از دستشان برآید دریغ نمی کنند. این پایگاه ۱۶ امدادگر دارد که در همین عملیات نجات آفرودسوارها، ۱۵ نفر آمدند تا

در این ماموریت شرکت کنند. در واقع همه مشتاق بودند که در ماموریت ها شرکت کنند. بیشتر ماموریت هایمان هم در گردنه بیژن است. زمستان گردنه بیژن سخت است و برف و کولاک وحشتناکی در اینجا وجود دارد. یاد ما است که یک بار در همین گردنه وقتی برف شدیدتر بود، ساعت هشت شب دوازده خودرو را نجات دادیم. آن شب از سرما و کولاک حتی نمی توانستیم جایی را ببینیم. دیگر حتی تجهیزاتمان هم باسختی نبود. ولی با این حال توانستیم نجاتگر مردم باشیم. البته اعضای پایگاه ما همگی از بچه های کوهستان هستند و در دامنه کوه زندگی می کنند. ولی در کل چنین تقریباً یکی دو سالی است که شرکتی شده. انجام دهند، ولی فعلاً مانندن چون دوست دارند به مردم کمک کنند.»

بانوی امدادگر



نتایج فعالیت های داوطلبانه را در زندگی ام دیدم

که در جمعیت یاد گرفته ام. در این مدت فعالیت های داوطلبانه زیادی داشتم. مثل آموزش، جمع آوری کمک یا فعالیت در سازمان جوانان، طرح های نوروزی، در واقع هر نوع فعالیتی را در این جمعیت انجام داده ام. از آنجاییکه برخورد های خوبی در جمعیت دیدم، حس خوبی به من منتقل و باعث شد که در این مسیر ماندگار شوم و مشتاقانه ادامه دهم. هیچوقت حس نکردم که وقتم را تلف می کنم. من نتیجه این خدمت را در زندگی ام دیدم. خیلی دوست دارم که در جمعیت بمانم و می خواهم در آزمون ایثار هم شرکت کنم. من در آزمون استخدامی آموزش و پرورش شرکت کردم و وقتی قبول شدم فهمیدم نتایج فعالیت های داوطلبانه ام در هلال احمر بود. در حال حاضر آموزش و پرورش همسرم و امیدوارم خداوند توفیق دهد که با نیت خالص به خدماتم در جمعیت ادامه دهم.»

محبوبه شفیعی، نجاتگر سوم هلال احمر اصفهان است. او سال ها فعالیت داوطلبانه خود را با جمعیت ادامه داده و با وجود مشغله ای که دارد، باز هم در این مسیر مانده است. او به خدمات داوطلبانه خود افتخار می کند و در گفت و گو با خبرنگار «شهرود» می گوید: «آشنایی من با جمعیت هلال احمر، به سال ۸۶ برمی گردد. آن زمان یکی از مربیان هلال احمر به محله ما آمد و آموزش کمک های اولیه گذاشت. من در این دوره شرکت کردم و از همانجا این مطلب برایم جذاب شد. تصمیم گرفتم آموزش ها و دوره های هلال احمر را بپذیرم و ادامه دهم. دوباره در بسیج محل اعلام کردند که از طرف هلال احمر قرار است آموزش دهند. من باز هم شرکت کردم و در نهایت به مربی گفتم که چطور می توانم، در هلال احمر فعالیت کنم. از همان طریق در بیشتر دوره های هلال احمر شرکت کردم و داوطلب جمعیت شدم. از طرفی پدرم هم

خیلی دوست داشت که مسیر هلال احمر را ادامه دهم و خدمتی برای خلق خدا داشته باشم. هر دوره که شرکت می کردم، تشویق های پدرم باعث ایجاد انگیزه ام می شد و در نهایت این مسیر را رها نکردم. خدمات در این جمعیت با اینکه داوطلبانه بود، بسیار لذت بخش هم بود. بیشتر دوره ها مثل مخاطرات، پیش بیمارستانی، پایه داوطلبی، عمومی نجات و هر دوره تخصصی که برگزار شد مثل حمایت روانی و تغذیه در شرایط اسکان و چادرزنی و ارتباطات رادیویی و ناوبری و نجات در کوهستان و آواربرداری را گذراندم. الان خودم مربی هستم و در جمعیت آموزش می دهم. هر ارگانی که تقاضای آموزش کند مثل مدرسه ها، شرکت ها، محله ها و بسیج، می روم و آموزش می دهم. باعث افتخار است که بتوانم آنچه در جمعیت یاد گرفتم به دیگران انتقال دهم. به اعتقاد من این آموزش ها کارکات آموخته های باارزشی است